

تأثیر اقتصاد ژتونی بر بهبود مهارت های خود یاری کودکان عقب مانده ذهنی

علی رزم آرا*^۱، حسین مؤمنی مهموئی^۲

^۱ دانشجوی دکتری علوم تربیتی، گرایش برنامه ریزی درسی، واحد تربت حیدریه، دانشگاه آزاد اسلامی، تربت حیدریه، ایران
^۲ دکتری برنامه ریزی درسی، دانشیار، باشگاه پژوهشگران جوان و نخبگان، واحد تربت حیدریه، دانشگاه آزاد اسلامی، تربت حیدریه، ایران.

* نویسنده مسئول: razmara202@gmail.com

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی تأثیر اقتصاد ژتونی بر بهبود مهارت های خود یاری کودکان عقب مانده ذهنی انجام شده است. روش این پژوهش از روش نیمه آزمایشی با طرح پیش آزمون و پس آزمون است. جامعه آماری کلیه دانش آموزان عقب مانده ذهنی (۹-۶ سال) که در سال تحصیلی ۹۵-۹۴ در مدارس استثنایی شهرستان زیرکوه مشغول به تحصیل هستند، حجم نمونه تعداد ۲۰ نفر از دانش آموزان که دارای مشکل در مهارت های خودیاری بودند می باشد که با استفاده از شیوه نمونه گیری در دسترس انتخاب انتخاب شدند. ابزار مورد استفاده شده در این پژوهش چک لیست مهارت های خودیاری (برگرفته شده از آزمون رشد اجتماعی وایلند ۱۹۵۳) می باشد. جهت تجزیه و تحلیل داده ها از آزمون t وابسته و تحلیل کواریانس استفاده شد. نتایج بیانگر این بود که اقتصاد ژتونی بر بهبود مهارت های خودیاری مؤثر است.

واژگان کلیدی: اقتصاد ژتونی، مهارت های خودیاری، کودکان عقب مانده ذهنی.

مقدمه

عقب ماندگی ذهنی موضوع تازه و جدیدی نیست، بلکه هر دوره و زمان افرادی در اجتماع وجود داشته‌اند که از نظر فعالیت ذهنی در حد طبیعی نبوده‌اند به خصوص از روزی که بشر زندگی اجتماعی را شروع کرده موضوع کسانی که به عللی قادر نبوده‌اند خود را با اجتماع هماهنگ سازند، مطرح بوده است. اجتماع برای مصلحت، تعصب و یا سالم سازی، بعضی از این افراد را تحمل کرده، عده‌ای را زندانی می‌کرد و یا به مرگ محکوم می‌نمود (میلانی فر، ۱۳۸۵). آموزش و پرورش کودکان عقب مانده ذهنی به ویژه کودکان عقب مانده ذهنی شدید با استفاده از روش‌های مناسب هم برای فرد و هم جامعه ارزشمند بوده است و هم از نظر دولت و هم از نظر جامعه کاری مقرون به صرفه است. هزینه‌ای که دولت برای تهیه برنامه‌های آموزشی ویژه این کودکان متحمل می‌شود تا بتوانند در آینده به طور نسبی از خود مراقبت نمایند، کمتر از مبالغی است که برای نگهداری آنها در مؤسسه‌ها یا انجمن‌های ویژه عقب ماندگان ذهنی اختصاص داده می‌شود (کرک و جانسون، ترجمه مهدی‌زاده، ۱۳۸۰).

عقب ماندگی ذهنی یکی از عمده‌ترین، پیچیده‌ترین و دشوارترین مسائل و مشکلات کودکان و نوجوانان در جوامع بشری امروزی است (لوک کاسون و ریو، ۲۰۰۱) در کشورهای در حال توسعه ۴/۶ درصد افراد زیر ۱۸ سال و در کشورهای پیشرفته ۲/۵-۰/۵ درصد این افراد دچار کم‌توانی ذهنی هستند (رضا سلطانی و پارسایی، ۲۰۰۲). عقب ماندگی ذهنی اختلالی تحولی است که بر تمام جنبه‌های تحول فرد تاثیر منفی می‌گذارد. افراد با عقب ماندگی ذهنی علاوه بر داشتن مشکلاتی در جنبه‌های شناختی نظیر هوش، حافظه، زبان و یادگیری از نظر ویژگی‌های رفتاری، مهارت‌های اجتماعی و سازش‌یافتگی دچار نارسایی هستند. این ویژگی‌ها موجب ایجاد خودپنداره منفی، عزت نفس پایین و مشکلات انگیزشی در کودکان عقب مانده ذهنی می‌شود. آن‌ها به دلیل عدم موفقیت در موقعیت‌های گوناگون و تجارب مکرر شکست و ناکامی، احساس ناشایستگی و یأس می‌کنند (اسمیت، ۲۰۰۱). کودک عقب مانده ذهنی کسی است که دامنه‌ی توجهش محدود است و زودتر خسته می‌شود و نیازمند برنامه‌ی مناسب و محدود و مشارکت در امر آموزش است. تمرکز خوبی ندارد و نیازمند محرک قوی، محیط آرام و شرایط مناسب برای یادگیری است. کودک عقب مانده ذهنی، چندان قادر به یادگیری‌های ضمنی نیست، نیازمند آموزش‌های مستقیم و مرحله به مرحله است، او در تعمیم یادگیری‌های خود دچار اشکال بوده، نیاز دارد که در هر مورد و موضوعی او را در فراگیری و به خاطر سپاری کمک کنیم. در تشخیص موقعیت‌های مطلوب و یا تعمیم آن با مشکل مواجه است و نیازمند راهنمایی‌های مستمر است. (مهرداد، ۱۳۹۰).

یکی از ویژگی‌ها و صفات مهم انسان، قوای ذهنی رشد یافته و عقل و هوشی است که در وجود او به عنوان یک موهبت الهی به ودیعه نهاده شده است و همین ویژگی او را از سایر موجودات متمایز ساخته و به او توانایی و ظرفیت یادگیری بخشیده و سازگاری با محیط پیرامونش را میسر ساخته و به دلیل دارا بودن این نعمت، خداوند او را اشرف مخلوقات و مسجود فرشتگان و خلیفه خود در روی زمین قرار داده است. اما به دلایل متعددی، معدودی از افراد انسانی از داشتن چنین توانایی و ظرفیتی یا محروم بوده و یا از حد طبیعی متناسب با سن خود پایین‌تر می‌باشند که این محرومیت یا کمبود و نقصان آنها را از سایر افراد متمایز ساخته و بر آنان نیازها و محدودیت‌های مختلفی را تحمیل می‌نماید (ولیان و همکاران، ۱۳۸۹). در فرهنگ‌های مختلف افرادی که نمی‌توانند به نحوی مطلوب، خود را با تقاضاهای محیطی-فرهنگی سازگار نمایند، از نظر دیگران یا تعریف و ویژگی‌های خاصی به عنوان در مانده، ضعیف، ناتوان، عقب مانده و... شناخته می‌شوند. (افروز، ۱۳۸۴).

تاکنون در هیچ یک از کتاب‌هایی که در مورد عقب ماندگان ذهنی نوشته شده است تعریف جامع و کاملی از عقب ماندگی ذهنی که مورد تأیید همه یا اکثریت متخصصین فن باشد ذکر نشده است و این مسأله بیشتر به خاطر پیچیدگی ماهیت عقب ماندگی ذهنی است. عقب ماندگی ذهنی را نمی‌توان به صورت یک پدیده مطلق تعریف کرد، بلکه بایستی عقب ماندگی ذهنی را به عنوان پدیده‌ای چند وجهی که وجوه آن به فیزیولوژی، روان شناسی، پزشکی، تعلیم و تربیت و جامعه شناسی محدود می‌گردد، مورد بررسی قرار داد (داور منش، ۱۳۸۶).

یکی از فنون بسیار موفق استفاده از روش تقویت مثبت اقتصاد ژتونی است. در این فن تغییر رفتار، بطور عمده از تقویت کننده های ژتونی استفاده می‌شود. علاوه براین، فن اقتصاد ژتونی معمولاً بجای افراد با گروهها بکار می‌رود. برنامه های اقتصاد ژتونی معمولاً دارای اجزای زیر می باشند.

۱. توضیح تفصیلی به کسانی که قرار است رفتارشان تغییر کند (مثلاً دانش آموزان) در این باره که چه رفتارهایی مورد تقویت قرار خواهند گرفت.

۲. وسیله ای که می توان از آن بعنوان یک محرک تقویتی بالقوه استفاده کرد و مشروط ساختن آن به انجام رفتاری خاص؛ این وسیله همان ژتون یا نشانه تقویتی است.

۳. مجموعه مقرراتی که نحوه تعویض ژتون ها را با تقویت کننده های پشتیبان، چون جوایز و فرصت شرکت در فعالیتهای ویژه را مشخص می کند (آلری و ویلسون، ۱۹۷۵ نقل از سیف، ۱۳۸۸).

در اقتصاد ژتونی سه نکته مهم را باید رعایت کنیم. نخست آنکه رفتارهای قابل تقویت باید دقیقاً مشخص شوند. دوم آنکه یک تقویت کننده کملاً تعریف شده (مثلاً ورقه های رنگی، کارت یا سکه) باید تعیین شود. نکته سوم مشخص کردن تقویت کننده های پشتیبان است. این تقویت کننده ها می توانند امتیازات یا چیزهایی باشند که بیماران دوست دارند. اقتصادهای ژتونی با هدف افزایش رفتار مطلوب از طریق کنترل تقویت ها اجرا می شوند. احتمال وقوع رفتار مطلوب اعم از افزایش نظم و ترتیب، مشارکت اجتماعی بیشتر یا بهبود عملکرد شغلی، با دادن ژتون ها افزایش می یابد و در واقع تأثیر اقتصاد ژتونی به این دلیل است که وقتی رفتار فوراً تقویت می شود، تأثیر تقویت خیلی بیشتر خواهد بود. (سیف، ۱۳۸۸).

مطابق با اصول پذیرفته شده در روان شناسی تحولی، نخستین سال های زندگی نقش مهمی در تحول جسمانی، ذهنی، اجتماعی و شخصیت کودک دارد. نخستین تجربه های زندگی، ممکن است تحول بعدی کودک را تسریع کند و یا از پیشرفت آن بکاهد. بنابراین، آشنایی با مراحل تحول کودکان، به والدین و مربیان کمک می کند تا انتظارات و مراقبت از کودکان را درک کنند (پارکر و ویلان، ۲۰۰۶). در ۸۰ سال گذشته اطلاعات زیادی از دوران کودکی و ویژگی های آن به دست آمده است. استفاده از این اطلاعات در آموزش کودکان، آموزش مبتنی بر تحول نام گرفته است. این عبارت در سال ۱۹۸۷ توسط انجمن ملی کودکان خردسال مطرح شد و در سال ۱۹۹۷ مورد بازنگری قرار گرفت. در آموزش مبتنی بر تحول، مربی با آگاهی از تحول بهنجار کودکان با هر یک از کودکان و خانواده های آنها ارتباط برقرار می کند و اطلاعات سودمندی از تحول کودکان به دست می آورد (دادج و کالکر، ۲۰۰۲).

ضرورت مهارتهای خودیاری در این است که به کودکان معلول یا کودکانی که دارای مشکلات خودیاری یادگیری اند کمک می کند که به طور موفقیت آمیزی در فعالیتهای کلاسی شرکت جویند. بنابراین هنگامی میتوان کودکانی با نیازهای ویژه را در کلاس های عادی قرار داد که به سطح معینی از استقلال در عادات کاری، خویشتنداری، مهارتهای اجتماعی و آمادگی برای دستیابی به اهداف یادگیری تحصیلی رسیده باشند. (به نقل از ابراهیمی قوام، ۱۳۷۵).

شواهد متعددی بر تأثیر آموزش مهارت های خودیاری بر ارتقاء سطح استقلال حتی در دانش آموزانی که دچار معلولیت ذهنی و یا دارای اختلالات یادگیری هستند، دلالت می کند.

۱- آموزگاران باید باور داشته باشند که چنین آموزش هایی بسیار با اهمیت بوده و می توان آنها را به کودکانی که فاقد هر گونه مهارت خودیاری هستند، آموخت.

۲- آموزگاران باید به طور دقیقی به مهارت ها و رفتارهایی که دانش آموزان شان را در دستیابی به استقلال یاری می رساند توجه نمایند. (به نقل از ابراهیمی قوام، ۱۳۷۵).

بختیاری (۱۳۹۳)، در پژوهشی به بررسی اثربخشی اقتصاد ژتونی بر مشکلات رفتاری خوردن در کودکان دارای اختلال نافرمانی مقابله ای ۵ تا ۷ ساله ای شهر همدان پرداخته است. نتایج بیانگر این بود داد که گروه آزمایش در مقایسه با گروه کنترل پس از خاتمه ای مداخله کاهش معناداری در اختلالات خوردن نشان دادند. در مجموع این تحقیق نشان داد که برنامه اثربخشی اقتصاد ژتونی در کاهش مشکلات خوردن کودکان دارای اختلال نافرمانی مقابله ای اثرگذار است.

عابدی و همکاران (۱۳۹۲)، در پژوهشی به بررسی اثربخشی روشهای اصلاح رفتار و آموزش مهارتهای خودیاری بر کاهش مشکلات رفتاری (پرخاشگری، بی توجهی و رفتارهای بچه گانه، گوشه گیری و اضطراب) دانش آموزان نابینای وابسته به مادر در مقطع پیش دبستانی، به این نتیجه رسید که: نتایج نشان داد روشهای اصلاح رفتار و آموزش مهارتهای خودیاری بر کاهش مشکلات رفتاری کودکان نابینای وابسته به مادر در مقطع آمادگی مؤثر بوده است. نتیجه گیری: این پژوهش نشان داد آموزش اصلاح رفتار و مهارتهای خود یاری می تواند در کاهش مشکلات رفتاری (پرخاشگری، بی توجهی و رفتارهای بیچگانه، گوشه گیری و اضطراب بهتر آنها با محیط آموزشی مدرسه مؤثر باشد.

کرن و ماردر (۱۹۹۶)، در پژوهشی نشان دادند که استفاده از روش اقتصاد ژتونی می تواند مشکلات انتخاب مواد خوراکی در کودکان با اختلال های مربوط به رشد را کاهش دهد.

نتایج پژوهش هاچ و همکاران (۱۹۹۵)، نشان داده است که استفاده از روش اقتصاد ژتونی می تواند در بهبود مشکلات بلع کودکان عقب مانده ذهنی در مقطع پیش دبستانی مؤثر باشد. گزارش لوسی (۱۹۹۴)، نیز حاکی از آن است که استفاده از اقتصاد ژتونی در کاهش مشکلات بلع و جویدن در یک کودک با آسیب عصب شناختی هشت ساله مؤثر بوده است.

روش پژوهش

روش این پژوهش از نوع نیمه آزمایشی با طرح پیش آزمون و پس آزمون است. جامعه آماری کلیه دانش آموزان عقب مانده ذهنی (۹-۶ سال) که در سال تحصیلی ۹۵-۹۴ در مدارس استثنایی شهرستان زیرکوه مشغول به تحصیل هستند، حجم نمونه تعداد ۲۰ نفر از دانش آموزان که دارای مشکل در مهارت‌های خودیاری بودند می باشد که با استفاده از شیوه نمونه گیری در دسترس انتخاب شدند. ابزار مورد استفاده شده در این پژوهش **چک لیست مهارت های خودیاری** می باشد. چک لیست مهارت های خودیاری استخراج شده از آزمون رشد اجتماعی وایلند (۱۹۵۳) می باشد. این چک لیست شامل ۳۸ سؤال می باشد که ۱۶ سؤال مربوط به مهارت عمومی، ۱۰ سؤال مهارت خوردن، ۱۲ سؤال مهارت پوشیدن می باشد.

نحوه نمره گذاری آزمون مهارت خودیاری: نمره ۱ برای حالاتی تعلق می گیرد که، ۱- آزمودنی با موفقیت کامل، آن کار را انجام دهد، ۲- آزمودنی می تواند کاری انجام دهد ولی والدین تاکنون به او اجازه انجام آن رفتار را نداده اند، ۳- فردی به علت خاصی آن رفتار را انجام نداده به طوریکه اگر آن معذوریت برطرف شود، شخص می تواند آن رفتار را انجام دهد. نمره نیم، زمانی تعلق می گیرد، آزمودنی گاهی آن را انجام می دهد و گاهی انجام نمی دهد، به عبارت دیگر هنوز آن مهارت را خوب یاد نگرفته است. نمره صفر، برای حالاتی تعلق می گیرد: ۱- شخص نمی تواند آن کار را انجام دهد، ۲- شخص به خاطر معلولیتها یا معذورت های غیر قابل برگشت نمی توان آن رفتار را پس از آن انجام دهد، ۳- زمانی که فرد آن کار را انجام نمی دهد، اگر تحت فشار شدید قرار بگیرد، آن کار را خیلی بد انجام خواهد داد. و با آزمودنی اصلا به مرحله ای نرسیده است، که بتواند کار را انجام دهد.

داده ها با استفاده از نرم افزار SPSS ۲۱ و آزمون های آماری مناسب تجزیه و تحلیل شد؛ در بخش توصیفی از جداول و نمودارهای توزیع فراوانی و در بخش تحلیل از کلموگروف-اسمیرنوف، تحلیل کواریانس، زوجی و سطح معنی داری $P \leq 0/05$ درصد اطمینان در نظر گرفته شد.

یافته ها

فرضیه اصلی این پژوهش حاکی از آن بود که اقتصاد ژتونی در بهبود مهارت های خودیاری تأثیر معنی داری دارد. جهت بررسی صحت این فرضیه از تحلیل کواریانس استفاده گردید. نتایج تحلیل کواریانس در جدول زیر گزارش گردیده است.

جدول ۱: خلاصه نتایج آزمون تحلیل کواریانس مهارت های خودیاری

منابع تغییرات	درجه آزادی	میانگین مجذورها	F	سطح معناداری
مدل اصلاح شده	۲	۹۶/۲۳	۵۲/۲۰	۰/۰۰۱
مقدار ثابت	۱	۶۰/۰۹	۳۲/۶	۰/۰۰۱
متغیر همراه (نمرات پیش آزمون)	۱	۰/۲۶۵	۰/۱۴۴	۰/۷۱
اثر اقتصاد ژتونی (آزمایش - کنترل)	۱	۸۷/۲۱	۴۷/۳۱	۰/۰۰۱
خطا	۱۷	۱/۸۴		
جمع کل اصلاح شده	۱۹	۲۲۳/۸		

همانگونه که نتایج جدول بالا نشان می دهد، با توجه به $F=0/144$ و $P=0/71$ اثر متغیر همراه معنی دار نیست. ولی اثر گروه نیز با توجه به $F=47/31$ و $P=0/001$ معنی دار است. یعنی تفاوت دو گروه آزمایش و کنترل از نظر تأثیر اقتصاد ژتونی بر بهبود مهارت های خودیاری ارتباطی معنی دار است.

در جدول زیر میانگین های تعدیل شده در پس آزمون نشان داده شده است.

جدول (۲) میانگین تعدیل شده پس آزمون

کنترل		آزمایش	
انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین
۰/۵۶	۲۶/۸۶	۰/۵۶	۳۳/۳۳

همانطوری که جدول فوق نشان می دهد میانگین تعدیل شده گروه آزمایش به طور معنی داری بیشتر از گروه کنترل بوده است که به معنی تأثیر اقتصاد ژتونی بر بهبود مهارت های خودیاری است .

فرضیه فرعی اول این پژوهش حاکی از آن بود که اقتصاد ژتونی در بهبود مهارت عمومی تأثیر معنی داری دارد. جهت بررسی صحت این فرضیه از تحلیل کواریانس استفاده گردید. نتایج تحلیل کواریانس در جدول زیر گزارش گردیده است.

جدول (۳) خلاصه نتایج آزمون تحلیل کواریانس مهارت عمومی

منابع تغییرات	درجه آزادی	میانگین مجدورها	F	سطح معناداری
مدل اصلاح شده	۲	۱۸/۲۶۱	۳۳/۴۶	۰/۰۰۱
مقدار ثابت	۱	۹/۰۶	۱۶/۶۱	۰/۰۰۱
متغیر همراه (نمرات پیش آزمون)	۱	۲/۷۲۲	۴/۹۸۸	۰/۰۳۹
اثر اقتصاد ژتونی (آزمایش - کنترل)	۱	۱۳/۶۸	۲۵/۰۶۵	۰/۰۰۱
خطا	۱۷	۰/۵۴۶		
جمع کل اصلاح شده	۱۹	۴۵/۸۰۰		

همانگونه که نتایج جدول بالا نشان می دهد، با توجه به $F=۴/۹۸۸$ و $P=۰/۰۳۹$ اثر متغیر همراه معنی دار است. همچنین اثر گروه نیز بانوجه به $F=۲۵/۰۶۵$ و $P=۰/۰۰۱$ معنی دار است. یعنی تفاوت دو گروه آزمایش و کنترل از نظر تأثیر اقتصاد ژتونی بر بهبود مهارت عمومی ارتباطی معنی دار است.

در جدول زیر میانگین های تعدیل شده در پس آزمون نشان داده شده است.

جدول (۴) میانگین تعدیل شده پس آزمون

کنترل		آزمایش	
انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین
۰/۹۲	۱۱/۸	۰/۷	۱۴/۴

همانطوری که جدول فوق نشان می دهد میانگین تعدیل شده گروه آزمایش به طور معنی داری بیشتر از گروه کنترل بوده است که به معنی تأثیر اقتصاد ژتونی بر بهبود مهارت عمومی است .

فرضیه دوم این پژوهش حاکی از آن بود که اقتصاد ژتونی در بهبود مهارت پوشیدن تأثیر معنی داری دارد. جهت بررسی صحت این فرضیه از تحلیل کواریانس استفاده گردید. نتایج تحلیل کواریانس در جدول زیر گزارش گردیده است.

جدول (۵) خلاصه نتایج آزمون تحلیل کواریانس مهارت پوشیدن

منابع تغییرات	درجه آزادی	میانگین مجدورها	F	سطح معناداری
مدل اصلاح شده	۲	۱۱/۴۴۵	۶۸/۰۳	۰/۰۰۱
مقدار ثابت	۱	۰/۸۳۵	۴/۹۶۲	۰/۰۴
متغیر همراه (نمرات پیش آزمون)	۱	۴/۸۴	۲۸/۷۷	۰/۰۰۱
اثر اقتصاد ژتونی (آزمایش - کنترل)	۱	۰/۸۷۸	۵/۲۲	۰/۰۳۵
خطا	۱۷	۰/۱۶۸		
جمع کل اصلاح شده	۱۹	۲۵/۷۵		

همانگونه که نتایج جدول بالا نشان می دهد، با توجه به $F=28/77$ و $P=0/001$ اثر متغیر همراه معنی دار است. همچنین اثر گروه نیز باتوجه به $F=5/22$ و $P=0/035$ معنی دار است. یعنی تفاوت دو گروه آزمایش و کنترل از نظر تأثیر اقتصاد ژتونی بر بهبود مهارت پوشیدن ارتباطی معنی دار است.

در جدول زیر میانگین های تعدیل شده در پس آزمون نشان داده شده است.

جدول (۶) میانگین تعدیل شده پس آزمون

کنترل		آزمایش	
انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین
۰/۱۷۳	۸/۹۱	۰/۱۷۳	۹/۵۸

همانطوری که جدول فوق نشان می دهد میانگین تعدیل شده گروه آزمایش به طور معنی داری بیشتر از گروه کنترل بوده است که به معنی تأثیر اقتصاد ژتونی بر بهبود مهارت پوشیدن است.

فرضیه سوم این پژوهش حاکی از آن بود که اقتصاد ژتونی در بهبود مهارت خوردن تأثیر معنی داری دارد. جهت بررسی صحت این فرضیه از تحلیل کواریانس استفاده گردید. نتایج تحلیل کواریانس در جدول زیر گزارش گردیده است.

جدول (۷) خلاصه نتایج آزمون تحلیل کواریانس مهارت خوردن

منابع تغییرات	درجه آزادی	میانگین مجذورها	F	سطح معناداری
مدل اصلاح شده	۲	۱۰/۴۸	۶۴/۳۲	۰/۰۰۱
مقدار ثابت	۱	۴/۶۱	۲۸/۳	۰/۰۰۱
متغیر همراه (نمرات پیش آزمون)	۱	۶/۵	۴۰/۰۳	۰/۰۰۱
اثر اقتصاد ژتونی (آزمایش - کنترل)	۱	۸/۱۷	۵۰/۱۵	۰/۰۰۱
خطا	۱۷	۰/۱۶۳		
جمع کل اصلاح شده	۱۹	۲۳/۷۵		

همانگونه که نتایج جدول بالا نشان می دهد، با توجه به $F=40/03$ و $P=0/001$ اثر متغیر همراه معنی دار است. همچنین اثر گروه نیز باتوجه به $F=50/15$ و $P=0/001$ معنی دار است. یعنی تفاوت دو گروه آزمایش و کنترل از نظر تأثیر اقتصاد ژتونی بر بهبود مهارت خوردن ارتباطی معنی دار است.

در جدول زیر میانگین های تعدیل شده در پس آزمون نشان داده شده است.

جدول (۸) میانگین تعدیل شده پس آزمون

کنترل		آزمایش	
انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین
۰/۱۳۱	۷/۰۸	۰/۱۳۱	۸/۴۲

همانطوری که جدول فوق نشان می دهد میانگین تعدیل شده گروه آزمایش به طور معنی داری بیشتر از گروه کنترل بوده است که به معنی تأثیر اقتصاد ژتونی بر بهبود مهارت خوردن است.

بحث و نتیجه گیری:

جهت بررسی تأثیر اقتصاد ژتونی بر بهبود مهارت های خودیاری از تحلیل کواریانس استفاده گردید. نتایج نشان داد، با توجه به $F=0/144$ و $P=0/71$ اثر متغیر همراه معنی دار است. همچنین اثر گروه نیز باتوجه به $F=47/31$ و $P=0/001$ معنی دار است. یعنی تفاوت دو گروه آزمایش و کنترل از نظر تأثیر اقتصاد ژتونی بر بهبود مهارت های خودیاری ارتباطی معنی دار است. نتایج به دست آمده از تأثیر اقتصاد ژتونی بر بهبود مهارت های عمومی نشان داد، با توجه به $F=4/988$ و $P=0/039$ اثر متغیر همراه معنی دار است. همچنین اثر گروه نیز باتوجه به $F=25/065$ و $P=0/001$ معنی دار است. نتایج به دست آمده از تأثیر اقتصاد ژتونی بر بهبود مهارت لباس پوشیدن نشان داد، با توجه به $F=28/77$ و $P=0/001$ اثر متغیر همراه معنی دار است. همچنین اثر گروه نیز باتوجه به $F=5/22$ و $P=0/035$ معنی دار است. یعنی تفاوت دو گروه آزمایش و

کنترل از نظر تأثیر اقتصاد ژتونی بر بهبود مهارت پوشیدن ارتباطی معنی دار است. نتایج به دست آمده از تأثیر اقتصاد ژتونی بر بهبود مهارت غذا خوردن نشان داد، با توجه به $F=40/03$ و $P=0/001$ اثر متغیر همراه معنی دار است. همچنین اثر گروه نیز با توجه به $F=50/15$ و $P=0/001$ معنی دار است. یعنی تفاوت دو گروه آزمایش و کنترل از نظر تأثیر اقتصاد ژتونی بر بهبود مهارت خوردن ارتباطی معنی دار است. تاکنون برای بهبود مهارت های خودیاری کودکان عقب مانده ذهنی پژوهش خاصی صورت نگرفته است اما نتایج پژوهش هایی که در حیطه مشابه انجام گرفته است، همگی مؤکد و همسو با نتایج پژوهش حاضر بوده است. از جمله پژوهش های انجام شده عبارتند از: بختیاری (۱۳۹۳)، در پژوهشی به بررسی اثربخشی اقتصاد ژتونی بر مشکلات رفتاری خوردن در کودکان دارای اختلال نافرمانی مقابله ای ۵ تا ۷ ساله شهر همدان پرداخته است. نتایج بیانگر این بود که گروه آزمایش در مقایسه با گروه کنترل پس از خاتمه ی مداخله کاهش معناداری در اختلالات خوردن نشان دادند. در مجموع این تحقیق نشان داد که برنامه اثربخشی اقتصاد ژتونی در کاهش مشکلات خوردن کودکان دارای اختلال نافرمانی مقابله ای اثرگذار است. عابدی و همکاران (۱۳۹۲)، در پژوهشی به بررسی اثربخشی روشهای اصلاح رفتار و آموزش مهارتهای خودیاری بر کاهش مشکلات رفتاری (پرخاشگری، بی توجهی و رفتارهای بچه گانه، گوشه گیری و اضطراب) دانش آموزان نابینای وابسته به مادر در مقطع پیش دبستانی، به این نتیجه رسید که: نتایج نشان داد روشهای اصلاح رفتار و آموزش مهارتهای خودیاری بر کاهش مشکلات رفتاری کودکان نابینای وابسته به مادر در مقطع آمادگی موثر بوده است. نتیجه گیری: این پژوهش نشان داد آموزش اصلاح رفتار و مهارتهای خودیاری می تواند در کاهش مشکلات رفتاری (پرخاشگری، بی توجهی و رفتارهای بچه گانه، گوشه گیری و اضطراب) بهتر آنها با محیط آموزشی مدرسه موثر باشد. کرن و مارد (۱۹۹۶)، در پژوهشی نشان دادند که استفاده از روش اقتصاد ژتونی می تواند مشکلات انتخاب مواد خوراکی در کودکان با اختلال های مربوط به رشد را کاهش دهد. نتایج پژوهش هاچ و همکاران (۱۹۹۵)، نشان داده است که استفاده از روش اقتصاد ژتونی می تواند در بهبود مشکلات بلع کودکان عقب مانده ذهنی در مقطع پیش دبستانی مؤثر باشد.

مراجع

- ابراهیمی قوام، صغری (۱۳۷۵). نقش مهارتهای خودیاری در فرایند یادگیری. مجله تربیت، شماره ۱۱۰، ص ۹۸ تا ۱۰۱.
- افروز، غلامعلی (۱۳۸۴) «مقدمه ای بر روانشناسی و آموزش و پرورش کودکان استثنایی» چاپ بیست و چهارم
- بختیاری، مهدی (۱۳۹۳). اثربخشی اقتصاد ژتونی بر مشکلات رفتاری خوردن در کودکان مبتلا به اختلال نافرمانی مقابله ای. پایان نامه کارشناسی ارشد، روانشناسی تربیتی، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران.
- داورمنش، عباس (۱۳۷۶). آموزش و توانبخشی کودکان معلول ذهنی. تهران: انتشارات نهال
- ساموئل، کرک، چی ارویل جانسون (۱۳۸۰). آموزش و پرورش کودکان عقب مانده ذهنی ترجمه مهدی زاده، مجید، چاپ پنجم، انتشارات آستان قدس
- سیف، علی اکبر. (۱۳۸۸). تغییر رفتار و رفتاردرمانی نظریه ها و روشها. تهران: نشر دوران
- ولیان، بشری؛ سیف نرقلی، مریم و دولت آبادی، شیوا. (۱۳۸۹). بررسی تأثیر استفاده از روش درمانی لوواس در کاهش میزان مشکلات شناختی پسران کم توان ذهنی تربیت پذیر ۷ تا ۱۲ ساله مراکز بهزیستی منطقه ۴ تهران، مجله تعلیم و تربیت استثنایی، شماره ۱۰۵: ۳-۱۱.
- مهرداد، حسین (۱۳۹۰). تأثیر بازی درمانی بر پیشرفت تحصیلی دانش آموزان عقب مانده ذهنی دوره ابتدایی شهر خرم آباد در سال تحصیلی ۸۹-۸۸. فصلنامه روان شناسی افراد استثنایی، شماره ۲، سال ۱۴۸: ۱-۱۱۹.
- میلانی فر، بهروز (۱۳۸۵) «روان شناسی کودکان و نوجوانان استثنایی» چاپ شانزدهم نشر قوس.
- Dodge, D. T., & Colker, L. J. (2002). The creative curriculum for preschool. Washington, D. C: Teaching Strategies Inc.
- Hoch, T. A.; Babbitt, R. L.; Coe, D. A.; Duncan, A. & Trusty, E. M. (1995). A swallow induction avoidance procedure to establish eating. Journal of Behavior Therapy and Experimental Psychiatry, 26, 1, 41-50.
- Kern, L. & Marder, T. J. (1996). A comparison of simultaneous and delayed reinforcement as treatments for food selectivity, Journal of Applied Behavior Analysis, 29, 2, 243-246.

- Luckasson, R., & Reeve, A. (2001). Defining and classifying in mental retardation. *Ment Retard*; 39(1):47-52.
- Smith, D. D. (2001). *Introduction to special education: Teaching in an age of Opportunity* (3rd Ed.). Needham, MA: Allyn & Bacon.
- Parker, R., & Willan, J. (2006). *Early years education (vol. 1)*. New York: Routledge.
- Luiselli, J. K. (1994). Effects of noncontingent sensory reinforcement on stereotypic behaviors in a child with neurological impairment, *Journal of Behavior Therapy and Experimental Psychiatry*, 25, 4, 325-330.